

جایگاه هند در سیاست خارجی آمریکا پس از پایان جنگ سرد

دکتر نوذر شفیعی*

فرهاد قنبری پاسارگادی**

پیشگفتار

پرسش اصلی در این نوشتار این است که چه عواملی مایهٔ بالا رفتن جایگاه هند در سیاست خارجی آمریکا پس از پایان جنگ سرد شده است. فرضیهٔ مقاله آن است که گرچه عوامل گوناگون می‌تواند در این زمینه نقش داشته باشد، اما خیزش چین در آسیا و ضرورت مهار کردن آن از دید دولت آمریکا، گسترش تروریسم در آسیا و لزوم رویارویی با آن و نیز توسعه اقتصادی چشمگیر هند از مهمترین عوامل برجسته شدن جایگاه هند در سیاست خارجی آمریکا پس از پایان جنگ سرد بوده است.

هند پس از رسیدن به استقلال، به سبب در پیش گرفتن سیاست عدم تعهد، در دوران جنگ سرد جایگاهی برجسته در سیاست خارجی آمریکا نداشت و دهلی نو و واشنگتن در سراسر دوران جنگ سرد از هم دور بودند. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان گرفتن جنگ سرد، آغاز برنامهٔ آزادسازی اقتصادی در هند در نخستین سالهای دههٔ ۹۰ و برخی پدیده‌های منطقه‌ای و جهانی، آهنگ و درونمایهٔ تازه‌ای به روابط دو کشور بخشید. پدیده‌هایی چون خیزش چین بعنوان يك قدرت نوپای آسیایی که می‌تواند معادلات قدرت در آسیا را دگرگون کند و گسترش تروریسم در آسیا بعنوان خطر امنیتی برای دو کشور پس از ۱۱ سپتامبر،

* استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

** دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان

سیاست خارجی آن دو را به هم نزدیک کرد. سیاست‌سازان در واشنگتن که سالیان دراز دگرگونیها در شبه قاره را با تیزبینی زیر نظر داشتند، ناگهان در دهه ۹۰ با هندی سرشار از انرژی و پویایی که توان تبدیل شدن به بازیگری بزرگ در پهنه جهانی را دارد، روبه‌رو شدند و از سیاست‌گرایی به هند سخن گفتند. این توانمندیها، واشنگتن را به این فکر انداخت که می‌توان با جلب نظر هند از راه افزایش دادن پیوندها با آن در حوزه‌های گوناگون، از آن کشور اهرمی برای ایجاد دگرگونیهای مورد نیاز آمریکا در معادلات منطقه‌ای و حتا جهانی ساخت. در دوران زمامداری جورج بوش دوم، هند به صورت شریک استراتژیک آمریکا در آمد و روابط دو کشور از بیگانگی در دوران جنگ سرد به نزدیکی و همپیمانی در دوران پس از پایان جنگ سرد گرایش یافت.

هر چند پیرامون چگونگی روابط هند و آمریکا در دوران پس از جنگ سرد و بویژه گسترش و تعمیق پرشتاب آن در چند سال گذشته، نظرها و دیدگاههای گوناگون وجود دارد، اما شاید بتوان مهمترین عوامل برجسته شدن جایگاه هند در سیاست خارجی آمریکا را بالا گرفتن تروریسم، خیزش چین و خطر برهم خوردن موازنه قوا در آسیا از سوی آن کشور و رشد سریع اقتصادی هند در این چند دهه دانست. بی‌گمان همپیمانی راهبردی هند و آمریکا بر پایه واقعیتهای استراتژیک و برخاسته از فرصتها و چالشهای مشترکی بوده است که در زیر به بررسی آنها می‌پردازیم.

۱- تروریسم

در فضای پس از ۱۱ سپتامبر، آمریکا تروریسم را مهمترین خطر برای امنیت ملی خود شمرده است و آنرا از سه زاویه «جنگ‌افزارهای ویژه نابودی گروهی»، «تروریسم بین‌المللی» و «بنیادگرایی دینی» می‌بیند. همه این تهدیدها در محیط امنیتی هند نیز دیده می‌شود و همین پدیده است که اولویتها در زمینه امنیت ملی دو کشور را بیش از پیش به یکدیگر نزدیک کرده است. گذشته از آن، رویدادهای ۱۱ سپتامبر

سبب شد که همپیمانی با دموکراسیهای کارآمد و همکاری با دیگر مراکز اصلی قدرت جهانی بخشی از راهبرد امنیت ملی آمریکا در مبارزه با تروریسم شمرده شود و در این زمینه، هند بعنوان بزرگترین دموکراسی جهان و یکی از کانونهای تازه قدرت مورد توجه ویژه قرار گیرد.^۱ در گزارش استراتژی امنیت ملی آمریکا در سپتامبر ۲۰۰۲، اهمیت هند روشن شده است: ایالات متحده عهده‌دار دگرگونی کامل در روابط دوجانبه‌اش با هند شده و بر پایه این باور که مصالح آمریکا داشتن رابطه‌ای استوار با هند را ایجاب می‌کند، امروزه نگرشی تازه به هند دارد و آنرا «یک قدرت جهانی روبه رشد که با هم منافع مشترکی داریم»، می‌داند.^۲ از سوی دیگر، در این فضا، هند که پس از اندونزی بزرگترین جمعیت مسلمان را در خود جای داده است، تندروی دینی و گسترش تروریسم در میان مسلمانان هند را خطری بزرگ برای امنیت ملی‌اش ارزیابی کرد و توانست با پیوستن به گفت‌وگوهای مبارزه با تروریسم و متهم کردن شورشیان کشمیری به تروریسم (که از دید هند، از پاکستان سرچشمه می‌گیرد) موضع خود را در برابر این نیروی چالشگر امنیت ملی تقویت کند.

○ در فضای پس از ۱۱ سپتامبر، آمریکا تروریسم را مهمترین خطر برای امنیت ملی خود شمرده است و آنرا از سه زاویه «جنگ‌افزارهای ویژه نابودی گروهی»، «تروریسم بین‌المللی» و «بنیادگرایی دینی» می‌بیند. همه این تهدیدها در محیط امنیتی هند نیز دیده می‌شود و همین پدیده است که اولویتها در زمینه امنیت ملی دو کشور را بیش از پیش به یکدیگر نزدیک کرده است.

کشور در خاور و باختر جهان را، که یکی بزرگترین دموکراسی غیر غربی و دیگری گرانگاه جهان لیبرال دموکراسی شناخته می‌شود، به یکدیگر نزدیک کرده است. این پیوند هنگامی آشکارتر می‌شود که مبارزه با تروریسم را همچون نبرد میان دموکراسیهای چندفرهنگی و فرقه‌گرایی تک‌فرهنگی بنگریم.^۳ در فضای استراتژیک پس از ۱۱ سپتامبر، آنچه مایه برجستگی هند در سیاست خارجی ایالات متحده شد، نمایش قدرت طالبان بود که مرز میان تروریستها و مبارزان آزادیخواه را کم‌رنگ کرد؛ زیرا هند حتا پیش از ایالات متحده خطر را دریافته و در دهه ۹۰ این نکته را که طالبان اصلاح‌گرانی اجتماعی نیستند، گوشزد کرده بود. بزرگی حملات القاعده، فضا را به سود کشورهای که سرگرم پیکار با گروههای غیردولتی بودند دگرگون کرد؛ بویژه در مواردی که کشور مورد حمله، رژیم دموکراتیک داشت. طبیعی است که در چنین فضایی، هند دست بالا را در سیاست خارجی آمریکا پیدا می‌کرد.^۴

همکاریهای امنیتی آمریکا و هند در زمینه مبارزه با تروریسم از خطرهایی تروریستی که هر دو کشور با آن روبرویند، مایه می‌گیرد.^۵ رویدادهای ۱۱ سپتامبر در ایالات متحده و سپس حمله به پارلمان هند در دسامبر ۲۰۰۱، اشتراک منافع دو کشور را در کاهش دادن تهدیدهای امنیتی از سوی گروههای تروریست سازمان‌یافته نمایان ساخت. این تهدیدها گونه‌ای همگرایی منافع میان دو کشور در آسیا بویژه در جنوب آسیا پدید آورد.^۶ در نوامبر ۲۰۰۱ پرزیدنت بوش و نخست‌وزیر هند اعلام کردند که تروریسم نه تنها خطری برای امنیت ایالات متحده و هند است، بلکه تلاشهایشان در راستای ایجاد آزادی، دموکراسی، امنیت بین‌المللی و ثبات در جای‌جای جهان را تهدید می‌کند.^۷

هر چند آمریکا منافع حیاتی در پرداختن به ابعاد جهانی تروریسم دارد، اما بیشترین توجه آن به جنوب آسیا است، زیرا محور پاکستان-افغانستان را مهمترین کانون تروریسم بین‌المللی می‌داند. بدین‌سان، تهدیدهای تروریستی فرصتی برای ایالات

○ در فضای استراتژیک پس از ۱۱ سپتامبر، آنچه مایه برجستگی هند در سیاست خارجی ایالات متحده شد، نمایش قدرت طالبان بود که مرز میان تروریستها و مبارزان آزادیخواه را کم‌رنگ کرد؛ زیرا هند حتا پیش از ایالات متحده خطر را دریافته و در دهه ۹۰ این نکته را که طالبان اصلاح‌گرانی اجتماعی نیستند، گوشزد کرده بود.

رویارویی با تروریسم بویژه در جنوب آسیا، گونه‌ای همپوشی استراتژیک میان هند و آمریکا پدید آورد، زیرا دو کشور فعالیت‌های تروریستی گروههای اسلامی مبارز در افغانستان و سرزمینهای زیر کنترل پاکستان را خطری برای امنیت ملی خود به‌شمار آوردند و همین، آنها را به جبهه‌گیری مشترک در برابر پاکستان کشاند تا دست از پشتیبانی از این گروهها بردارد. بدین‌سان، دو کشور در مورد خطر بنیادگرایی در جنوب آسیا و پیرامون آن اشتراک نظر دارند. واقعیت آن است که از میان سه پایه تروریسم یعنی گسترش جنگ‌افزارهای ویژه تابودی گروهی، سربرآوردن شبکه‌های تروریستی و کشورهای (به گفته آمریکا) سرکش، هند تنها در مبارزه با تروریسم احساس نزدیکی با آمریکا می‌کند و دو مقوله دیگر را مرتبط با منافع ملی خود نمی‌داند.

دامن‌گستری تروریسم بعنوان بزرگترین خطر برای امنیت ایالات متحده، وضعی پدید آورده است که منافع دو کشور در زمینه امنیت ملی به هم می‌رسد و واشنگتن و دهلی نو را به ایجاد فرصتهایی ارزشمند برای همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم تشویق می‌کند. هند، همانند ایالات متحده، بر آن است که مبارزه با تروریسم باید با پیروزی به پایان برسد.

گسترش تروریسم در آسیا که به بلور رهبران آمریکا، جنوب آسیا کانون آن به‌شمار می‌رود، این دو

تصویب و اجرای پیمان کمکهای دوجانبه را در برمی گیرد.^{۱۵}

بالا گرفتن تروریسم در آسیا، بویژه در جنوب آن که ایالات متحده از آنجا مورد حمله القاعده قرار گرفت، اهمیّت این منطقه را در چشم واشنگتن دوچندان کرد. بی گمان هند بعنوان يك قدرت بزرگ برخوردار از رژیم دموکراتیک و پیرو سکولاریسم، مورد توجه ایالات متحده خواهد بود. از نگاه آمریکا، هند کشوری با ثبات در یکی از آشفته ترین مناطق جهان است و بنابراین، همکاری با هند برای رویارویی با چالشهای مشترک و ایجاد صلح پایدار در منطقه از اصول سیاست خارجی آمریکا خواهد بود. مبارزه با تروریسم یکی از زمینه‌هایی است که ایالات متحده و هندوستان منافع امنیتی بیشتری در آن دارند.^{۱۶}

۲- توسعه اقتصادی هند

پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر

○ رویدادهای ۱۱ سپتامبر، درستی نظر هند را مبنی بر اینکه نه گسترش جنگ افزارهای هسته‌ای و مسأله کشمیر، بلکه تروریسم مهمترین مشکل استراتژیک در جنوب آسیا است، ثابت کرد؛ نظری که واشنگتن نیز آنرا پذیرفت. هر چند هند از تبدیل شدن ناگهانی دولت پاکستان از دولتی در مانده به يك دولت پیشگام در مبارزه با تروریسم نگران بود، ولی آمریکا پاکستان را زیر فشار دیپلماتیک گذاشت تا دست از پشتیبانی گروههای تندرو بکشد و بدین سان هند را بعنوان همپیمانی طبیعی در جنگ با تروریسم، با خود همراه کرد.

متحده و هند فراهم آورد تا سیاستهای خود در مبارزه با تروریسم را هماهنگ کنند.^۸

رویدادهای ۱۱ سپتامبر، درستی نظر هند را مبنی بر اینکه نه گسترش جنگ افزارهای هسته‌ای و مسأله کشمیر، بلکه تروریسم مهمترین مشکل استراتژیک در جنوب آسیا است، ثابت کرد؛ نظری که واشنگتن نیز آنرا پذیرفت. هر چند هند از تبدیل شدن ناگهانی دولت پاکستان از دولتی در مانده به يك دولت پیشگام در مبارزه با تروریسم نگران بود، ولی آمریکا پاکستان را زیر فشار دیپلماتیک گذاشت تا دست از پشتیبانی گروههای تندرو بکشد و بدین سان هند را بعنوان همپیمانی طبیعی در جنگ با تروریسم، با خود همراه کرد.^۹

آمریکا، هند را به سیستمهای امنیتی مرزی مجهز کرد و در زمینه آموزش و اطلاعات به آن کشور یاری رساند.^{۱۰}

در مه ۲۰۰۲، طرح سایبر امنیتی میان دو کشور برای حفاظت زیرساختهای امنیتی در برابر حمله‌های سایبر تروریستی مطرح شد.^{۱۱} هدف آمریکا از مشارکت دادن هند در بسته ابتکار امنیتی، بهره‌گیری از مهارتهای هند در تولید تکنولوژی اطلاعاتی برای رویارویی با نسلی تازه از تهدیدها از سوی سایبر تروریسم است.^{۱۲} توافق نامه ۲۸ ژوئن ۲۰۰۵ نیز ناظر به افزایش توانمندیهای دفاعی دو کشور در راستای پاسداری از امنیتشان و رویارویی با تروریسم در ابعاد جهانی است.^{۱۳} در ششمین نشست گروه سیاست دفاعی دوجانبه در ۳ ژوئن ۲۰۰۴، مبارزه با تروریسم، یکی از حوزه‌های رو به گسترش منافع و ارزشهای مشترک دو کشور شناخته شد.^{۱۴} منافع مشترک آمریکا و هند در مبارزه با تروریسم، زمینه‌ساز همکاریهای تاکتیکی دو کشور است که تبادل اطلاعات، گسترش دادن برنامه‌های آموزشی ضد تروریستی، رایزنی درباره همکاریهای سایبر امنیتی با تمرکز بر سایبر تروریسم و امنیت اطلاعاتی، بهسازی سامانه مراقبت مرزی شامل فروش تجهیزات و تکنولوژیهای پیشرفته، رویارویی با قاچاق مواد مخدر و داراییهای مالی تروریستها و

پس از ایالات متحده و چین خواهد بود.^{۲۰} صندوق بین‌المللی پول هم نرخ رشد تولید ناخالص داخلی هند در ۲۰۰۷ را ۸/۴ درصد برآورد کرده بود که با کاهش محسوس در ۲۰۰۸ به ۷/۸ درصد می‌رسید.^{۲۱} هند در ۲۰۰۶ تولید ناخالص داخلی خود را به ۳/۶ تریلیون دلار رساند و در رده دوازدهم در جهان قرار گرفت. ۵۱ درصد این تولید ناخالص داخلی از آن بخش خدمات و ترابری، ۲۸ درصد از آن بخش صنعت و ۲۱ درصد از آن بخش کشاورزی بوده است.^{۲۲}

امروزه دادوستد بازرگانی میان هند و آمریکا چندان چشمگیر نیست، ولی به سرعت رو به رشد است. تنها در ۲۰۰۴، صادرات آمریکا به هند که بیشتر نرم‌افزار و کالاهای دارای تکنولوژی پیشرفته بوده، ۲۵ درصد رشد داشته است.^{۲۳} بیشتر پیش‌بینی‌ها گویای آن است که این روند حتی شتابی بیشتر خواهد گرفت، زیرا فضای مناسب برای آن وجود دارد. برای نمونه، با گسترش شهرنشینی و سوادآموزی و در پرتو اصلاحات ژرف اقتصادی، طبقه متوسطی در هند سربرآورده که با جمعیت سه

شوروی را می‌توان پایان یک اندیشه اقتصادی دانست. در دوران پس از جنگ سرد، اقتصاد لیبرالی و مبتنی بر بازار آزاد بی‌رقیب است و در این چارچوب بیشتر کشورها کوشیده‌اند اقتصادشان را با اصول بازار آزاد هماهنگ کنند. هند در شمار کشورهایی است که در این راه با تکیه بر سیستم سیاسی پیشرفته و نیروی انسانی کارآمد، رشد جهشی داشته است؛ به گونه‌ای که پس از یک دهه، به یکی از اقتصادهای بزرگ و پویا در جهان تبدیل شده و لیبرالیزه شدن تدریجی اقتصاد هند، زمینه وابستگی متقابل هند و آمریکا (بعنوان ابرقدرت اقتصادی - تکنولوژیک) را فراهم آورده است.

هند از نخستین سالهای دهه ۹۰ میلادی، سیاست اقتصادی خود را بر پایه اصلاحات گام به گام که به دگرگونی بنیادی در حوزه‌های کلیدی اقتصاد انجامید، استوار کرد. خصوصی‌سازی، اصلاح قوانین کارگری، گسترش زیربنای اقتصادی کشور و ایجاد مناطق ویژه اقتصادی از جمله این دگرگونیها در حوزه اقتصاد بوده است. براین پایه اصلاحات، پدید آمدن دگرگونی ساختاری در اقتصاد، کاهش فقر، پیدایش طبقه متوسط جدید و رشد سریع خارجی بوده که موتور رشد اقتصادی هند را تا امروز روشن نگهداشته است.^{۱۷}

گذشته از اینها، سه عامل دیگر در رشد اقتصادی هند در دهه‌های آینده مؤثر خواهد بود:

- ۱- افزایش جمعیت فعال که تا دو دهه آینده ادامه خواهد یافت. ۲- تثبیت نهادهای دموکراتیک در هند که در برابر بی‌ثباتی، کمتر آسیب‌پذیر خواهد بود.
- ۳- برخورداری هند از بازارهای سرمایه‌ای و بنگاههایی که در سطح جهان بویژه در بخش تکنولوژی پیشرفته در زمره بهترین‌ها شمرده می‌شوند.^{۱۸} برپایه آمارهای Deutsche Bank Re-search، میانگین نرخ رشد واقعی اقتصاد هند در سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۲۰ شش درصد پیش‌بینی می‌شود.^{۱۹} گزارش Goldman Sachs نیز گویای آن است که هند تا ۲۰۵۰ سومین قدرت اقتصادی جهان

○ آمریکا اکنون بزرگترین سرمایه‌گذار خارجی در هند است و شرکتهای آمریکایی هند را در میان کشورهای روبه توسعه کشوری بتوانند یهای کمابیش چشمگیر ارزیابی می‌کنند که توان جذب سرمایه سودآور برای هر دو طرف را دارد. ارزش سرمایه‌گذار یهای مستقیم خارجی در هند در سالهای ۲۰۰۱-۱۹۹۱، ۷۱ میلیارد دلار بوده که ۱۵ میلیارد دلار (۲۰ درصد) آنرا آمریکا تأمین کرده است.

○ روابط بازرگانی آمریکا و هند جهشی ۲۲۱ درصدی نشان می‌دهد و آمریکا به نخستین شریک تجاری هند تبدیل شده است. هند کشوری است که با شتاب قدرت اقتصادی خود را افزایش می‌دهد و این توانمندی را دارد که از رده‌دوازدهم کنونی به رده‌ای بالاتر در اقتصاد جهان برسد. افزون بر این، هند پویایی شتابنده به سوی اقتصاد دانش محور دارد که این نیز زمینه همکاری‌های دو کشور را فراهم می‌کند. نشان این وضع، صدور نرم‌افزار از هند بارشده ۵۰ درصد در سال است که دو سوم صادرات هند به آمریکا را تشکیل می‌دهد.

ارزیابی می‌کنند که توان جذب سرمایه سودآور برای هر دو طرف را دارد. ارزش سرمایه‌گذاران مستقیم خارجی در هند در سالهای ۲۰۰۱-۱۹۹۱، ۷۱ میلیارد دلار بوده که ۱۵ میلیارد دلار (۲۰ درصد) آنرا آمریکا تأمین کرده است. بیشتر سرمایه‌گذاران آمریکا در هند در بخش‌های بانکداری، خدمات مالی، مخابرات بوده و نام شماری از شرکت‌های معتبر و سودآور هندی در این زمینه‌ها، در تابلوی بورس اوراق بهادار آمریکا به چشم می‌خورد. از ۵۳۸ مؤسسه سرمایه‌گذار در هند، ۲۲۰ مؤسسه از آن آمریکاست که کمابیش ۷ میلیارد دلار در بازار سرمایه هند سرمایه‌گذاری کرده‌اند. چنین می‌نماید که روابط بازرگانی و سرمایه‌گذاری میان دو کشور باز هم می‌تواند افزایش یابد. در این فرایند، هند می‌تواند از آمریکاییان ثروتمند هندی تبار بهره‌گیرد (با توجه به اینکه هندی‌ها ثروتمندترین قوم کوچنده به آمریکا هستند).

سیاست‌گذاران هندی، در پی افزایش رشد

کشور فرانسه، انگلیس و آلمان پهلو می‌زند و همچنان رو به گسترش است. این طبقه تا ۲۰۳۰ تنها به دوست میلیون خودرو نیاز خواهد داشت. ۲۴ گذشته از این، طبقه متوسط در هند که اکنون حتماً بزرگتر از طبقه متوسط در آمریکا است، بازار بسیار بزرگی برای سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان آمریکایی فراهم آورده است. ۲۵.

بر همین پایه، آمریکا سرمایه‌گذارهای بزرگی چه به صورت مستقیم و چه به صورت خرید اوراق بهادار در اقتصاد هند انجام داده است. این کشور که چهارمین بازار اقتصادی جهان به‌شمار می‌رود، با قدرت خرید، زیربنای اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد، دموکراسی پارلمانی با ثبات و قوه قضاییه مستقل، گرایش بسیار به واردات و جذب سرمایه و فناوری آمریکایی دارد. ۲۶ آمریکا و هند برای پیشبرد منافع ملی خود در زمینه‌های گوناگون نیازمند رشد اقتصادی پایدارند و اقتصادهایشان کمابیش مکمل یکدیگر است و همین، گسترش سریع روابط دو کشور را آسان می‌کند. ۲۷.

آینده روابط هند و آمریکا در حوزه همکاری‌های اقتصادی و تکنولوژی که تکنولوژی اطلاعات، بیوتکنولوژی، فرآورده‌های دارویی و انرژی را دربرمی‌گیرد، امیدوار کننده است. ۲۸.

رشد متعادل اصلاحات اقتصادی (۶ درصد)، هند را به مقصد جذابی برای سرمایه‌های خارجی از جمله سرمایه‌های آمریکایی تبدیل کرده است، به گونه‌ای که ۵۰۰ شرکت بزرگ آمریکایی در هند شعبه‌هایی دایر کرده‌اند. ۲۹ بویژه دستاوردهای علمی و فنی هند در این سالها در بخش صنایع الکترونیک، سرمایه‌گذاری در هند را سودآور کرده است. تداوم رشد اقتصادی هند با سریعترین نرخ در جهان، سرمایه‌گذاران گسترده شرکت‌های آمریکایی، بویژه در زمینه تکنولوژی اطلاع‌رسانی در آن کشور را در پی داشته است. بر پایه برآوردها، آمریکا اکنون بزرگترین سرمایه‌گذار خارجی در هند است و شرکت‌های آمریکایی هند را در میان کشورهای رو به توسعه کشوری باتوانمندی‌های کمابیش چشمگیر

افزایش دادوستد با هند برانگیزد.^{۳۰} روابط بازرگانی آمریکا و هند جهشی ۲۲۱ درصدی نشان می‌دهد و آمریکا به نخستین شریک تجاری هند تبدیل شده است. هند کشوری است که با شتاب قدرت اقتصادی خود را افزایش می‌دهد و این توانمندی را دارد که از رده دوازدهم کنونی به ردهای بالاتر در اقتصاد جهان برسد. افزون بر این، هند پویایی شتابنده به سوی اقتصاد دانش محور دارد که این زمینه همکاریهای دو کشور را فراختر می‌کند. نشان این وضع، صدور نرم‌افزار از هند با رشد ۵۰ درصد در سال است که دوسوم صادرات هند به آمریکا را تشکیل می‌دهد.^{۳۱} گفتنی است که امروزه سی درصد از متخصصان مقیم «سیلیکن ولی» یا کانون تکنولوژی اطلاعاتی آمریکا، هندی هستند و نیز هفتصد شرکت در این مجموعه، هندی-آمریکایی است.^{۳۲}

۳- خیزش قدرت زرد

ناپلئون می‌گفت: بگذارید چین بخوابد، زیرا اگر بیدار شود جهان را به لرزه درمی‌آورد. با حرکت سریع چین به سوی مدرنیزاسیون اقتصادی، نرخ رشد اقتصادی آن کشور در این سالها همواره از بالاترین نرخهای رشد در سرتاسر جهان بوده است. اقتصاد چین از ۲۵ سال پیش، هر سال ۹ درصد رشد داشته که سریع‌ترین نرخ رشد اقتصادی در تاریخ شمرده می‌شود.^{۳۳} برپایه آمارهای بانک جهانی، نرخ رشد این کشور در ۲۰۰۷ برابر ۱۱/۴ بوده است.^{۳۴} رشد اقتصادی چین سبب شده که این کشور به پشتوانه نیروی انسانی ارزان خود با سرعت بر بازارهای جهانی چنگ اندازد و ایده اژدهای خفته‌ای را که رفته‌رفته بیدار می‌شود، تحقق بخشد. کارل مارکس در سده نوزدهم گفته بود بورژوازی با کالاهای ارزان خود می‌تواند سراسر جهان را بگیرد و حتا از دیوار چین هم بگذرد. ولی امروزه این چینی‌ها هستند که توپخانه تولید کالاهای ارزان قیمت خود را روی دیوار چین گذاشته‌اند و سراسر جهان را نشانه گرفته‌اند. از کالاهای چینی باعنوان «توفان زرد» یاد

○ هر چند هزینه‌های نظامی چین در سنجش با آمریکا بسیار کم است، اما از دیدگاه آمریکا، دگرگون شدن استراتژی نظامی چین و مدرنیزه شدن ارتش آن کشور، چالشی است در برابر هژمونی آمریکا. آمریکایی‌ها بودجه نظامی سنگین چین را نشانه قصد پکن به رویارویی با حضور نظامی آمریکا در خاور آسیا و خطری بالقوه برای برتری نظامی آمریکا در حوزه اقیانوس آرام می‌دانند. رایس وزیر خارجه آمریکا در نشست سران آپک (APEC) در ۲۰۰۶ نگرانی آمریکا از خیزش چین در آسیا را یادآور شد و گفت: برنامه‌های چین در زمینه نظامی خود، فراتر از وزن و نقش منطقه‌ای آن کشور به نظر می‌رسد.

اقتصادی کشور برای کاستن از فقر هستند. در این زمینه، هند سیاستهایی برای گسترش بازار داخلی در پیش گرفته است که در میان آنها می‌توان به از میان برداشتن موانع تعرفه‌ای در داخل، تمرکز بر زیر ساختهای فیزیکی و اجتماعی، تشویق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری داخلی، بالا بردن بهره‌وری تولید در بخش کشاورزی، صنعت و خدمات و تقویت نهادهایی که زمینه‌ساز مشارکت بیشتر شهروندان در حکومت است اشاره کرد. هند با در پیش گرفتن سیاستهایی که خلاقیت‌های فردی و گروهی را شکوفا می‌کند، شرایط زندگی میلیون‌ها هندی را بهبود بخشیده است. این سیاستها، یعنی به کارگیری درست منابع و همخوان کردن آن با فرایند اصلاحات اقتصادی، پویای تازه‌ای به اقتصاد هند بخشیده است. بدین‌سان، اقتصاد بالنده هند می‌تواند سود چشمگیر نصیب سرمایه‌گذاران آمریکایی کند و آنان را به

چینی‌ها در آینده نیز با ساخت جنگ‌افزارهای پیشرفته از هواپیما گرفته تا زیردریایی و موشک‌های بالستیک و... نیروی نظامی خود را افزایش خواهند داد، به گونه‌ای که در دو دهه آینده، پس از آمریکا از نظر هزینه‌های دفاعی دومین کشور و از نظر معیارهای نظامی قدرتی درجه یک خواهند بود.^{۴۰} هرچند هزینه‌های نظامی چین در سنجش با آمریکا بسیار کم است، اما از دیدگاه آمریکا، دگرگون شدن استراتژی نظامی چین و مدرنیزه شدن ارتش آن کشور، چالشی است در برابر هژمونی آمریکا. آمریکایی‌ها بودجه نظامی سنگین چین را نشانه قصد پکن به رویارویی با حضور نظامی آمریکا در خاور آسیا و خطری بالقوه برای برتری نظامی آمریکا در حوزه اقیانوس آرام می‌دانند.^{۴۱} رایس وزیر خارجه آمریکا در نشست سران آپک (APEC) در ۲۰۰۶ نگرانی آمریکا از خیزش چین در آسیا را یادآور شد و گفت: برنامه‌های چین در زمینه نظامی خود، فراتر از وزن و نقش منطقه‌ای آن کشور به نظر می‌رسد.^{۴۲} چینی‌ها هم اکنون با برقراری روابط استراتژیک با سریلانکا، پاکستان، میانمار و بنگلادش و ایجاد

○ چینی‌ها هم اکنون با برقراری روابط استراتژیک با سریلانکا، پاکستان، میانمار و بنگلادش و ایجاد تسهیلات زیربنایی اقتصادی در آن کشورها، در پی تکمیل حلقه استراتژیک خود در حوزه اقیانوس هند هستند. بویژه گزینش سریلانکا بعنوان یک شریک استراتژیک از این نظر مهم است که می‌توانند نفوذ خود را بر خطوط ارتباطی و دریایی استراتژیک از اروپا تا آسیای خاوری و گذرگاههای نفت از خاور میانه تا تنگه مالاکا افزایش دهند.

می‌شود که بسیاری از بازارها از جمله اروپا و آمریکا را فرا گرفته است. بیشترین کسری تراز بازرگانی آمریکا، با چین است. تنها در پنج ماه نخست ۲۰۰۵، میانگین کسری بازرگانی آمریکا با چین در هر هفته ۳/۶ میلیارد دلار بوده است.^{۳۵}

مایکل فیلسبوری (Michael Pillsbury) مشاور پنتاگون در امور چین، در گزارش به کمیسیون بررسی روابط اقتصادی - امنیتی آمریکا آورده است که سیاستگذاران در ایالات متحده در دهه آینده از پیشی گرفتن چین بر ایالات متحده در زمینه صدور تکنولوژی شگفت زده خواهند شد. حتی چین می‌تواند کالاهای صنعتی با بهایی به بازار بفرستد که تولید آن برای ایالات متحده سودآور نیست.^{۳۶}

در استراتژی توسعه ملی چین، رشد اقتصادی، جایگاهی برجسته در قدرت ملی دارد، به گونه‌ای که می‌تواند زمینه‌های مدرنیزه شدن نظامی چین را نیز فراهم آورد. واقعیت آن است که چین، هزینه‌های خود را در راستای مدرنیزه کردن و پیاده کردن استراتژی نظامی افزایش داده است.^{۳۷}

نگرانی آمریکا در بخش نظامی، شفاف نبودن بودجه نظامی چین است. چین در ۲۰۰۷ میزان رسمی بودجه دفاعی خود را با افزایشی ۱۷/۸ درصدی نزدیک به ۴۵ میلیارد دلار اعلام کرد، ولی آژانس دفاعی آمریکا (ISI) بودجه نظامی چین در آن سال را ۸۵ تا ۱۲۵ میلیارد دلار برآورد کرده بود. برپایه آمارها در بودجه چین و نیز آمارهای صندوق بین‌المللی پول، در سالهای ۲۰۰۶-۱۹۹۶ میانگین نرخ رشد سالانه بودجه دفاعی چین (۱۱/۸ درصد) از میانگین نرخ رشد سالانه تولید ناخالص داخلی آن کشور (۹/۲ درصد) بیشتر بوده است.^{۳۸}

وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) نیز، هزینه‌های دفاعی چین در ۲۰۰۵ را دو یا سه برابر آمارهای رسمی چین برآورد کرده بود که به ۹۰ میلیارد دلار می‌رسید. در گزارش وزارت دفاع آمریکا آمده بود که بودجه نظامی چین، موازنه نظامی شکننده‌ای در منطقه پدید آورده است که خطرناک خواهد بود.^{۳۹}

بیشتر در حوزه اقتصاد نمود دارد، اما در آینده در دیگر حوزه‌ها بویژه در حوزه‌های استراتژیک برجسته خواهد شد. رشد سریع اقتصادی و مدرنیزه شدن ارتش چین و تبدیل شدن آن کشور به یک قدرت منطقه‌ای در این دو دهه، پیوسته جایگاه استراتژیک آنرا در سطوح منطقه‌ای و جهانی بالا برده و همین، مایه نگرانی بازیگران گوناگون بویژه قدرتهای بزرگ شده است. نگرانی آمریکا در این زمینه بیش از دیگران است و همین، از عوامل نزدیکی آمریکا به هند شمرده می‌شود. آمریکا با نزدیک شدن به هند می‌کوشد از برهم خوردن توازن استراتژیک در آسیا از سوی چین جلوگیری کند؛ وضعی که با رشد سریع و پیوسته چین، امکانپذیر می‌نماید.

چین بعنوان نیروی برتر سیاسی، اقتصادی و نظامی در جنوب خاوری آسیا، در برآوردهای استراتژیک خود در سطح منطقه‌ای، خواهان نظام تک قطبی در آسیا - پاسفیک است تا خودش قدرت یکه‌تاز در آنجا باشد. طبیعی است که در برابر این استراتژی، واشنگتن از یک آسیای چند قطبی، دربرگیرنده هند، پشتیبانی کند؛ زیرا هند نیز خواهان نظامی چند قطبی در منطقه است و یک نظم آسیایی زیر سایه چین را بر نخواهد تابد.^{۴۵}

از نگاه آمریکا روشن است که در روند پیدایش کانونهای تازه قدرت در آسیا، واشنگتن برای دستیابی به منافعی در برابر پکن قرار خواهد گرفت. برای رویارویی با این چالش، آمریکا بعد تازه‌ای به راهبرد خود در برابر هژمونی چینی‌ها در آسیا افزوده و آن، یاری‌رسانی اقتصادی و نظامی به آن دسته از کانونهای قدرت در آسیاست که پذیرای ارزشهای دموکراتیک آمریکا در آسیا و خواهان لگام زدن به قدرت چین هستند. مشارکت هند در نظام نوپای آسیایی را می‌توان در این چارچوب ارزیابی است.^{۴۶}

اینکه چین در حال تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ در پهنه سیاست و اقتصاد بین‌الملل است، واقعیتی انکارناپذیر است. هرچند زمامداران چین، آگاهانه بر این نکته پای می‌فشارند که چین کشوری رو به توسعه است، اما رشد سریع چین در این دهه‌ها

تسهیلات زیربنایی اقتصادی در آن کشورها، در پی تکمیل حلقه استراتژیک خود در حوزه اقیانوس هند هستند. بویژه گزینش سریلانکا بعنوان یک شریک استراتژیک از این نظر مهم است که می‌تواند نفوذ خود را بر خطوط ارتباطی و دریایی استراتژیک از اروپا تا آسیای خاوری و گذرگاههای نفت از خاور میانه تا تنگه مالاکا افزایش دهند.^{۴۳}

بی‌گمان سیاست چین در حوزه اقیانوس هند بر دیگر قدرتهای بزرگ بویژه آمریکا اثر خواهد گذاشت و از دیدگاه استراتژیک برخورد منافع را در پی خواهد داشت. از این رو ایالات متحده بر آن است که از نیروی دریایی هند همچون سپری در برابر چین که خواهان نقشی پویا در اقیانوس هند است بهره‌گیری از هند بعنوان یک کمر بند امنیتی در برابر حلقه استراتژیک چین، به گسترش روابط آمریکا و هند خواهد انجامید.^{۴۴}

ناگفته نباید گذاشت که روند فزاینده هژمونی چین در ابعاد اقتصادی و نظامی، پرسشهای گوناگونی پیرامون نقش و جایگاه آن در پهنه بین‌المللی و منطقه‌ای پیش آورده است؛ پرسشهایی که امروز

○ بی‌گمان سیاست چین در حوزه اقیانوس هند بر دیگر قدرتهای بزرگ بویژه آمریکا اثر خواهد گذاشت و از دیدگاه استراتژیک برخورد منافع را در پی خواهد داشت. از این رو ایالات متحده بر آن است که از نیروی دریایی هند همچون سپری در برابر چین که خواهان نقشی پویا در اقیانوس هند است بهره‌گیری از هند بعنوان یک کمر بند امنیتی در برابر حلقه استراتژیک چین، به گسترش روابط آمریکا و هند خواهد انجامید.

نشان می‌دهد که دست کم آمریکا نمی‌تواند چین را نادیده بگیرد.

ویژگیهای استراتژیک، جغرافیایی و ساختاری هند در کنار چین و این دریافت آمریکا که چین در آینده به جای شریک، رقیب ایالات متحده خواهد بود، جایگاه ویژه‌ای برای هند در سیاست خارجی آمریکا پدید می‌آورد. در دوران زمامداری بوش دوم، چین از دید آمریکاییان، از «شریک» استراتژیک (دوره کلینتون) به «رقیب استراتژیک» تبدیل شد و امروزه هدف آمریکا این است که با نزدیک شدن به هند، از پا گرفتن محور شرق جلوگیری کند.^{۴۷}

در واقع، بالا گرفتن روزافزون قدرت چین در آسیا، آمریکا را بر آن داشته است که از هند، هر چند همسنگ چین نیست، برای ایجاد توازن در منطقه بهره‌گیرد.

تیرگی روابط هند و چین و تفاهم استراتژیک پکن - اسلام‌آباد نیز آمریکا را به این نکته می‌رساند که هند تنها کشوری است که می‌تواند با گسترش دادن حوزه نفوذ و افزودن بر توانمندیهای نظامی خود، گزینه‌ای استراتژیک برای ایالات متحده در برابر چین باشد.^{۴۸} به سخن دیگر، هدف آمریکا از بالا بردن جایگاه هند در سیاست خارجی خود، ایجاد توازن قدرت نرم در برابر چین است که چه بسا در آینده به یک توازن قدرت سخت تبدیل شود.^{۴۹}

بهره سخن:

برجسته شدن جایگاه هند در سیاست خارجی آمریکا پس از پایان جنگ سرد، نشان دهنده افزایش اهمیت هند در استراتژی امنیت ملی آمریکا در نظام بین‌الملل آینده است. رفتار رهبران دو کشور در این سالها گویای اهمیت روزافزون هر یک در برآوردهای استراتژیک دیگری است. کاندولیزا رایس در نخستین سفر آسیایی خود، به هند رفت و به روشنی بر نقش بنیادی آن کشور در موازنه قوا در آسیا انگشت گذاشت و گفت آمریکا با اشتیاق می‌کوشد هند را در رسیدن به جایگاه یک قدرت بزرگ در پهنه نظام بین‌الملل، یاری دهد. بسیاری کسان در واشنگتن،

○ چین بعنوان نیروی برتر سیاسی، اقتصادی و نظامی در جنوب خاوری آسیا، در برآوردهای استراتژیک خود در سطح منطقه‌ای، خواهان نظام تک قطبی در آسیا-پاسفیک است تا خودش قدرت یک‌تاز در آنجا باشد. طبیعی است که در برابر این استراتژی، واشنگتن از یک آسیای چند قطبی، در برگیرنده هند، پشتیبانی کند؛ زیرا هند نیز خواهان نظامی چند قطبی در منطقه است و یک نظم آسیایی زیر سایه چین را بر نخواهد تابد.

هند را همراه طبیعی آمریکا می‌دانند زیرا هر دو کشور دموکراسیهای چند قومی دارند؛ برخورداری دو کشور از ارزشهای مشترکی همچون دموکراسی و سکولاریسم نیز به گسترش روابط آنها کمک می‌کند. بر سر هم می‌توان گفت که پیوندهای استراتژیک دو کشور تا آینده‌ای پیش‌بینی‌پذیر رو به گسترش خواهد بود، زیرا دو کشور، نه تنها نگرشهایی چندان ناهمخوان به نظم بین‌المللی ندارند، که زمینه‌های مناسبی برای هم‌پیمانی استراتژیک می‌بینند. این زمینه‌ها چنین است:

- همکاری در برابر برخی چالشهای استراتژیک، که مهمترین آنها خیزش چین و بالا گرفتن تروریسم است.

- همکاری اقتصادی که با توجه به رشد سریع اقتصادی هند و اینکه اقتصادهای دو کشور مکمل یکدیگر است، زمینه‌های آن روز به روز گسترده‌تر می‌شود.

- توانمندیهای نظامی هند که می‌تواند در راستای منافع مشترک و برخورد با چالشهای استراتژیک به کار گرفته شود.

اما اینکه واشنگتن تا چه اندازه برای پاسداری از

- p: 25. at: <http://www.StrategicStudiesInstitute.army.mil>.
6. Brian, Shoup, "US - India security ties". 2005, p:3. at: <http://www.StrategicStudiesInstitute.army.Mil/>
7. "Joint statement of US, India on Terrorism, bilateral ties", US Department of State: **Washington file**, November 9, 2001.
8. Report of an independent core group, "India - US Relation: Promoting synergy", Institute of Peace and Conflict Studies (IPCS)/ New Delhi, 2003/p: 27.
9. Stephen Philip Cohen. **The United States and South Asia: core interest and policies and their impact on regional countries**, Institute for Region Studies, Islamabad, Pakistan, 2003, p:4.
10. K. Alan Ronstadt, Bruce Vaughn, "Terrorism in South Asia", 2004, p. 33 at: www.Fas.org/irp/crs/RI32259.
11. Ibid, p: 33.
12. Nicholas Burns, "Americas strategic opportunity with India", 2007, p: 5. at: <http://www.ForeignAffairs.Org/2007/1101/fae/ssug86609/r-Nicholas-Burns>.
13. K. Alan Kronstadt "US - Indo bilaterad agreements and global partnership" **Foreign Affairs**, 2006, p. 18. at: <http://digital.Library.Unt.edu/govdccc/rs/permalink/meta/-crs-8674>: 1.
14. K. Alan Kronstadt. Bruce Vaughn. "Terrorism in South Asia", 2006 p: 33, at www.Fas.org/irp/crs/RI32259.
15. Deepa, Ollapally. "US - India relations: ties that bind?", Washinton DC. The Geoorg Washington University Press 2005, p:6. at: <http://www.gwu.edu/sigur/pubs>.
16. Nicholas Burns, "America's strategic opportunity with India", **Foreign Affairs**, 2007, p: 11. at: <http://www.ForeignAffairs.org/20071101feassg86609r-nicholas-burns>.
17. Wayne, Morrison and Alan Kronstadt, "India-US Economic Relation". **Foreign Affairs**, 2005, pp: 22-28. at: <http://www.ndu.Edu/library/docs/crs>.
18. "Mapping the global future, Report of the National Intelligence Councils, 2020 project" (Nic) Press

○ از نگاه آمریکاروشن است که در روند پیدایش کانونهای تازه قدرت در آسیا، واشنگتن برای دستیابی به منافعش در برابر پکن قرار خواهد گرفت. برای رویارویی با این چالش، آمریکا بعد تازه‌ای به راهبرد خود در برابر هژمونی چینی‌ها در آسیا افزوده و آن، یاری‌رسانی اقتصادی و نظامی به آن دسته از کانونهای قدرت در آسیاست که پذیرای ارزشهای دموکراتیک آمریکادر آسیا و خواهان لگام‌زدن به قدرت چین هستند. مشارکت هند در نظام نوپای آسیایی رامی‌تواند در این چارچوب ارزیابی است.

منافع کنونی خود و رسیدن به هدفهای تازه در آینده، روی هند سرمایه‌گذاری خواهد کرد، نکته‌ای است که گذشت زمان آنرا روشن خواهد کرد.

منابع

1. The "national security strategy of the United States of America", the White House 2006, at: www.Whitehouse.gov/nsc/nss/2006/nss2000.
2. US Department of State, National Security Strategy Paper Sep 2002, at: www.globalsecurity.org/military/library/policy/national.
3. "US- India strategic dialogue", Rand Center for Asia Pacific Policy (2004), pp 8-9, at: <http://www.Rand.org>.
4. Robert Blackwill, "Why is India America's natural ally?" (2005), p:1 at: <http://www.Internationalinterest.Com>.
5. Amit Gupta, "The US - India Relationship: strategic partnership or complementary interests?", 2005,

- 2005, p: 96. at: www.Thecqresearcher.Com.
37. Office of the Secretary of Defense, "Military power of the People's Republic of China, A Report to Congress pursuant to the National defense Authorization Act", 2006, p. 6-7. at: <http://www.Fas.org/nuk/2006/guide//china/dod-2006.prd>.
38. Ibid, p: 25.
39. Peter, Katel, "Emerging China", CQ press. V. 15, 2005, p. 965. at: www.Thecqresearcher.Com.
40. "Mapping the global future"/ Report of the National Intelligence Council's 2020 Project/ Nic/ 2004. p. 49. at: <http://www.Foia.cia.Gov/2020>.
41. James F. Hoge, "global power shift in the making", **Foreign Affairs**, 2004, p: 6. at: <http://www.Foreignaffairs.Org/200040701facomment33401james-f-hoge-Jr/a-global-po...>
42. Washington Post, Friday/ November, 2006, Washington post.com.
43. Dipanjan Roy, Chaudhury, "Boosting maritime capabilities in the Indian Ocean", New Dehli 2007, p 3-8. at <http://www.Worldpress.Org/Asia/2908.cfm>.
44. Suryakant, Smeer, "India-US Civilian Nuclear: impact on Asia Balance of power", Institute of Peace and Conflict Studies, New Dehli, Vol. 9. No. 4, 2006, p5.
45. Mohan Malik, "China's strategy of containing India, 2006, p: 4: at <http://www.Pinr.Com/report.php?ac=view-report8-report-id=43>.
46. Twining, Daniel, America's grand design in Asia, Center for Strategic and International Studies and Massachusetts Institute of Technology, **The Washington Quantity**, Summer 2007, p: 79.
47. Amit Gupta, "The US - India Relationship: strategic partnership or complementary interests?", 2005, p: 10. at <http://www.Strategicstudiesinstitute.army.mil>.
48. Moan Bhagabati, "India - US relations from neglect to constructive cooperation?", Financial Daily, press 2001, p: 4. at <http://www.Hinduonnet.Com/bussinesline/2001/04/23/stories/o42355Js.htm>.
49. Zhang, Guihong, US- India Security relations implications for China, 2007, p: 7. at: <http://www.Satp.org/satporgtp/publication/faultlivers>.
- 2004, p: 53 at: <http://www.Foia.cia.gov/2020>.
19. Teresita C, Schaffer and Pramit, Mitra, **India as a global power**, CSIS/ Washington/ 2005/ p:3.
20. Dana Robert, Dillon, "the United State and South Asia", Heritage Foundation Press/ 2005/ p: 4 at: <http://www.Fas.Org/terrorism/at/docs/2005>.
21. International Monetary Fund, **World Economic Outlook 2007**, chapter 1, p. 2.
- 22.V. Nilakant, "India: a Rising power", Asia: NZ Foundation Press 2006, p: 8.
23. <http://www.State.gov/r/pa/ei/bgn/3454.htm>.
24. <http://csis.org/southasia/southasia-program/india-s-energy-needs>.
25. Dana. Rober Dillon, "**The United States and South Asia**", heritage Foundation Press 2005/ p:4.
26. Teresita C. Schaffer, "Building a New Partnership with India", **Whashington Quarterly**, 25: 2, 2002, p, 32.
27. Wayne Morrison and Alan Kronstadt. "India-US Economic Relation", **Foreign Affairs**, 2005, p: 31. at: <http://www.ndu.Du/library/docs/crs>.
28. Report of an independent core group: "**India-US Relation: Promoting synergy**", Institute of Peace and Conflict Studies, New Delhi 2003, p: 29.
29. <http://www.Washingtonprism.Org/showarticle.cfm?id=246>.
30. Report of an independent core group, "**India-US Relation: Promoting Synergy**". Institute of Peace and Conflict Studies/ New Delhi 2003/ p: 29-30.
31. Teresita C, Schaffer and Pramit, Mitra, "**India as a global power?**" CSIS/ Washington/ 2005/ p: 7.
32. Robert BlackWill, "**Why is India Americas Natural Ally?**" 2005, p: 3. at: <http://www.Inthenationalinterest.Com>.
33. Peter, Katel, "Emerging China"/ CQ Press, V. 15, 2005, p. 59. www.Thecqresearcher.com.
34. <http://siteresource.worldbank.org/indicators-cumulative/April2008>.
35. Wayne M. Morrison, "China - US trade issue", **Foreign Affairs**, 2005, p. 2 at: <http://www.Fas.org/sgp/crs/row/IB19112>.
36. Peter, Katel, "Emerging China" CQ Press, v. 15,